



کد خبر: ۱۱۵۰۲۰

چهارشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۸ ۲۰:۲۲

سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر

## تحلیل فرهنگی-اجتماعی سه فیلم «روز صفر»، «ابر بارانش گرفته» و «آبادان یازده ۶۰»

برنامه اینترنتی «نقد نو» در روز سوم پخش خود به تحلیل سه فیلم روز صفر از سعید ملکان، ابر بارانش گرفته از مجید برزگر و آبادان یازده ۶۰ از مهرداد خوشبخت پرداخت. ۴۷ میهمان این برنامه دکتر سجاد فتاحی (تحلیلگر اجتماعی) بود که به تحلیل این فیلم از منظر تخصص خود پرداخت. ۴۷

۱- روز صفر

کارگردان: سعید ملکان

میلااد دخانچی: فقط به وجه امنیتی موضوع پرداخته تا بعد معرفتی!

دومین فیلمی است که درباره ریگی و به نوعی در چند سال اخیر چهارمین یا پنجمین فیلمی است که با موضوعات امنیتی ساخته شده است. این فیلم چه از نظر فرم و چه محتوا بسیار ناامیدکننده بود. به زبان ساده این سوال را می‌شود طرح کرد که چرا با الگوی فیلم‌های هالیوودی این فیلم ساخته شد؟ یعنی خودمان هنوز نتوانستیم برای طرح مسائل پیچیده‌مان به یک الگوی مشخص برسیم؟ یکی از اصلی‌ترین مساله‌های ما این است که چرا نمی‌توانیم درباره سینمای خودمان به یک الگوی بومی برسیم. در این فیلم نه تنها نگاه یک طرفه غرب به شرق را شاهد هستیم، بلکه شخصیت امنیتی ما بیشتر شبیه جیمز باند است. در حقیقت یک فیلم هالیوودی دست دوم را شاهدیم!

روز صفر، فیلمی است که چیزی درباره دنیای پیچیده ریگی‌ها به ما نمی‌گوید؛ حتی درباره تقلاهای مامور و دستگاه‌های امنیتی داخلی‌مان خودمان و اطلاعاتی بیشتر از آنچه در رسانه‌های عمومی گفته شده، به ما نمی‌دهد. وظیفه سینما این است که فراتر از این برود و خبر جدیدی هم بدهد. چیزی که در این فیلم رخ نداد!

مشکلی فیلم عدم ارجاع آن به مسائل معرفتی است. در صورتی که دعوای ما با ریگی فقط دعوای امنیتی نبود!

سجاد فتاحی: فیلمی است که اشاره‌ای به دلایل بروز و ظهور ریگی ندارد!

از منظر اجتماعی به آنچه در فیلم نیفتاد اشاره خواهم کرد.

روایت فیلم بیشتر درباره استفاده ما از روش‌های سخت برای حفظ امنیت کشور بود. در شرایطی که کشور به سمتی می‌رود که استفاده از این روش‌ها بیشتر شده است، به نظر پشت این مسأله، یک ناکارآمدی اساسی در حفظ امنیت نرم وجود دارد. چیزی که در فیلم به تصویر کشیده نمی‌شود. فیلمی که قصد پرداختن به یک پدیده اجتماعی را دارد، به نظر من از این منظر هم باید به موضوع پردازد.

سوال اساسی که باید به آن پاسخ بدهیم، این است که ریگی و گروه جندالله در بخش‌هایی از فیلم به آنها اشاره می‌شود، صرفاً بیان می‌شود وابسته به دشمن هستند و توسط کشورهای خارجی حمایت می‌شوند! در صورتی که به این موضوع پرداخته نشده است که ریگی به عنوان یک ایرانی، محصول چه ساز و کارهای درونی است که بروز و ظهور پیدا کرده است؟ نقاط ضعف ما در تولید و پرورش ریگی چطور بوده است؟

در فیلم پذیرش نقش خودمان در تولید ریگی را نمی‌بینیم.

در حقیقت ریگی محصول:

۱- چند دهه سیاست‌گذاری نامناسب اقتصادی در نقاط مرزی و مشخصاً در فیلم سیستان و بلوچستان است.

۲- سیاست‌هایی است که فقر را بازتولید کرده‌اند.

۳- سیاست‌های ضعیفی که در حوزه آموزش داریم.

۴- فراموشی اهمیت تأکید بر هویت ملی و هویت ایرانی در فرآیندهای آموزشی‌مان.

۵- ساز و کارها و ساختارها و قوانین و سیاست‌گذاری‌هایی که اسمش را بازتولید احساس تبعیض مذهبی می‌توان گذاشت.

مجموع این چنین عواملی است که ریگی را پرورش می‌دهد. چیزی که در فیلم نمی‌بینیم.

میلااد دخانچی: فیلمی شاعرانه و چندلایه

از آنجایی که از جنس فیلم‌های شاعرانه و چندلایه است؛ فیلم سختی برای تحلیل به حساب می‌آید.

شخصیت اصلی فیلم، پرستاری است که در مرگ آدم‌ها به آنها کمک می‌کند. این پرستار تحت تاثیر تجربه‌ای تغییر می‌کند و به مسائل ماورایی باورمند می‌شود.

نقد سیاسی-اجتماعی که در میزانشی که فیلمساز بیان می‌کند، می‌گوید چیزی که باعث حیات می‌شود، (نهنگ صورتی) آن چیزی است که در تلویزیون رسمی سانسور می‌شود و قابل نشان دادن نیست. کنایه‌ای که برای یک فیلم شاعرانه به نظرم زیاد بود.

در واقع موضع ممتنعی درباره فیلم دارم.

سجاد فتاحی: فیلمی که به شخصیت و گونه دیگری از زن ایرانی اشاره دارد

فیلمی چند لایه است. در لایه سطحی و ظاهری آن شاهد دو ویژگی اساسی هستیم. از فیلم‌های پخش شده از ابتدا تاکنون، در این فیلم به شخصیت و گونه دیگری از زن ایرانی اشاره می‌شود. زنی توانمند، مستقل و موفق در حرفه و کار خودش است. ویژگی بعدی که در این فیلم برجسته می‌شود، اعتبار و قدرت بیش از اندازه پزشکان در برابر پرستاران است. موضوعی که در طی چند دهه گذشته در نظام سلامت ما به وجود آمده و نظام سلامت ما را دچار بیماری کرده است. در صورتی که به نظام سلامتی نیاز داریم که توازن در همه بخش‌های آن وجود داشته باشد.

آنچه در این فیلم نشان داده می‌شود این است که یک پرستار توانمند چگونه می‌تواند و می‌داند چه خدمتی را چه به بیمار، چه به همراهان بیمار و چه به نظام سلامت ما بکند.

اما این فیلم در سطح استعاری روایت امید و ناامیدی در جامعه ایران است. چیزی که امروز جامعه با آن بسیار با آن درگیر است. پرستاری که با بینش خودش حس می‌کند به چه چیزی می‌توان امید بست و به چه چیزی نمی‌توان که امید نبست.

میلااد دخانچی: فیلم شریفی است که به نقش پررنگ رسانه در مواقع بحرانی می‌پردازد

فیلم شریفی است که به‌رغم داشتن مشکلات تکنیکال چه در طراحی لباس، چه در ریتم چه پهلوزدن بعضی از میزانشن‌هایش به میزانشن‌های تلویزیونی آن را دوست داشتم. فیلمی درباره حماسه ملی است.

دو سه محور فیلم حول یک محور اصلی تنیده شده‌اند و آن هم اهمیت رسانه در حل یا ایجاد بحران است. اینکه رسانه در جنگ چقدر مهم است. حالا می‌خواهد جنگ سخت باشد یا جنگ نرم.

آنچه این فیلم بیان می‌کند نقد بسیار تند و رادیکال به وضع موجود است که نتوانسته‌ایم اهمیت رسانه را درک کنیم. این فیلم به ما نشان داد که چقدر اعتماد به افراد درون رسانه به موازات تکثر افراد، می‌تواند مهم باشد. چیزی که در فیلم با به نمایش گذاشتن و به رسمیت شناختن این تکثر اعم از شخصیت مسیحی و مذهبی سعی کرده است به ما این موضوع را نشان دهد.

نگاه انتقادی فیلم آنجا بود که گفت، در لحظه‌ای که در سختی و دفاع بودیم، همه با هم بودیم. حال این سوال مطرح می‌شود که چرا وقتی دفاع تمام شد و در موضع قدرت آمدیم، این تکثر به فراموشی سپرده شد؟

محور نهایی هم که در فیلم وجود داشت و مساله‌ای است که همچنان با آن روبرو هستیم، آن بود که اگر یک شر، شیطان و یک اتفاق بدی وجود دارد، کار رسانه این است که این را به رسمیت بشناسند!

سجاد فتاحی: فیلمی است که توانسته به اهمیت تکثر در یک سازمان رسانه‌ای بپردازد

دو نکته اساسی است که فیلم به آن اشاره می‌کند. اول، خوزستانی که این همه فشارها را تحمل کرد. حال اگر بیابیم و به زمان حال نظر بیندازیم، وضعیت کنونی حق آنها نیست. اما کلیدی‌ترین مساله‌ای که فیلم به آن اشاره می‌کند، درسی

است که می‌تواند برای نظام حکمرانی مان باشد.

در این فیلم می‌بینیم که شخصیت مدیر رادیو ملی نفت آبادان، چگونه تکثر داخل آن رادیو را به رسمیت می‌شناسد. چطور ادیک مسیحی کنار یک جوان مذهبی حزب‌اللهی قرار می‌گیرد. هر دو به سادگی با هم ارتباط برقرار می‌کنند. در کنارش زنانی را هم می‌بینیم که به راحتی در کنار مردان کارهای سخت را انجام می‌دهند.

مساله مهم توجه اتحاد ملی و کنار هم قرار گرفتن تمام اجزای این ملت کنار است که تنها با سیاستگذاری و قوانینی امکان‌پذیر است که در آن تبعیض وجود نداشته باشد. موضوعی که ادیک و سایر شخصیت‌های مختلف فیلم را کنار هم گذاشته بود!

در حقیقت، مدیر رادیو ملی نفت آبادان نقشی را بازی کرد که یک نظام و سیستم حکمرانی باید بازی کند. وقتی یک نظام سیاسی و حکمرانی کارآمد است که بتواند نقش میانجی و کم‌کننده تنش میان اجزای متکثر جامعه‌اش را ایفا کند.